لندن، اوت ۲۰۰۶

مدیر محترم مؤسسه انتشارات نگاه آقای علیرضا رئیس دانائی

با درود گرم و تشکر از پیشنهادتان برای انتشار گزینه شعرهای ژاله اصفهانی. من به گفته‌ی حافظ «بر سر آن بودم» که چنین کار را انجام دهم. البته پیش از این که بدانم سرنوشت مجموعه اشعارم که نزد شماست چه خواهد شد. منظورم جلد دوم آن است. شعرهای دو سال اخیر را جمع آوری کردم و دادم تایپ کنند. خیال داشتم فعلاً آنها را در دفتر کوچکی به نام سروده‌های تازه ژاله منتشر کنم که البته پیشنهاد شما بهتر است. بنابراین پرونده‌ی آنها را برایتان می‌فرستم با شاید گزینه‌ای از مجموعه شعرهایم را.

هم خوب می‌شود اگر شاعر ارجمند آقای محمدعلی سپانلو این کار را به عهده بگیرد که پیش از چاپ برای من خواهید فرستاد. «هزار و یک شعر» آقای سپانلو به نظر من کار بسیار ارزشمندی است، متأسفانه هنوز آن را ندارم.

دو قطعه عکس که خواسته اید توسط دوست هنرمندم کمال می‌فرستم تا هر کدام را خواستید انتخاب کنید «من در شصت سالگی؟» - خاطراتم دو قطعه عکس گذاشتم با عنوان ژاله دیروزی و ژاله امروزی چرا باید همواره چهره‌ی سالمندی شاعران کلاسیک‌مان را داشته باشیم و امروز کار شاعران نیز جوان باشد!

به هر حال خواهش می‌کنم عکس‌ها را پس بفرستید. متشکرم. لطفاً نابسامانی نامه‌ام را ببخشید چون نیم ساعت دیگر مسافر عزیز نامه رسان به خانه‌ام می‌آید.

شاد و پیروز باشید

ژاله اصفهانی